

به مناسبت سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران

امروز، یازدهم شهریور سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران است. ۳۶ سال پیش در چنین روزی حزب کمونیست ایران، در یک کنگره موسس، در کردستان انقلابی، بنیان‌گذاری شد. در سالگرد چنین روزی یاد و خاطره فداکاری‌های هم‌زمانی را که در صفوف این حزب، در زندان و زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها، یا بر چوبه دار و در برابر جوخه آتش دژخیمان جمهوری اسلامی، و یا در سنگرهای مقاومت انقلابی در کردستان، در صفوف نیروی پیشمرگ کومه‌له، در نبرد رو در رو با دشمن، جان و زندگی و هستی‌شان را در راه رهایی انسان استثمار شده و ستم‌دیده فدا نمودند، گرامی می‌داریم و به خانواده‌های مقاوم و سربلندشان درود می‌فرستیم. در این روز همچنین به پایداری و استقامت کارگران و کمونیست‌های در بند و همه زندانیان سیاسی که برای دفاع از باورها، برنامه و آرمانشان، رودروی رژیم سرکوبگر حاکم قرار گرفته و به اسارت گرفته شده‌اند، درود می‌فرستیم و از مبارزه و مقاومتشان قدردانی می‌کنیم. به امید اینکه خروش مبارزه و اعتراض کارگران و توده‌های محروم و ستم‌دیده جامعه در فردای گسترش خود، رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران را به زیر کشیده و همه، آزادگان در بند، با لبخند شادی و پیروزی بر لب به آغوش عزیزانشان برگردند.

اعلام تاسیس حزب کمونیست ایران، در روز یازدهم شهریور سال ۱۳۶۲ نقطه آغازی بود در راهی که طبقه کارگر می‌تواند و باید پیروزمندانه بپییمد تا از طبقه استثمار شونده و محروم این جامعه به طبقه حاکم گذر کند. تا جامعه ایران را از همه مصائبی اکثریت مردم ستم‌دیده و استثمار شده با آن دست بگیربان هستند رها سازد. تا سرانجام سوسیالیسم، جامعه انسان‌های آزاد و برابر و مرفه، برقرار گردد. با چنین دورنمایی بود که حزب کمونیست ایران، در ادامه فعالیت سازمان‌های تشکیل دهنده آن، اعلام موجودیت کرد.

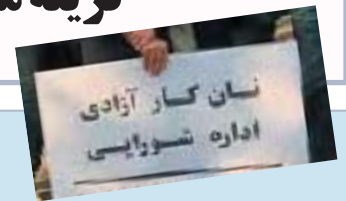
تشکیل حزب کمونیست ایران به ←



متن سخنان حسن شمس‌ی در مراسم گرامیداشت سالگرد تاسیس
حزب کمونیست ایران در استکهلم

یادی از ستاره‌های تابناک جنبش کمونیستی
در روزهای تاریک نیمه اول شهریور

گزینه مقابل کارگران هیکو اراک!



تبیین رویکرد ۱۴ نفری‌ها!



کارگر زندانی،
زندانی
سیاسی،
آزاد باید
گردد!

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هنیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

همچنان پایه اجتماعی خود را در وجود کومه له حفظ کرد.

حزب کمونیست ایران در طول حیات ۳۶ ساله خود با فراز و نشیب های زیادی روبرو شده است، ضربات متعددی از دشمن خورده است، گروه هایی از آن جدا شده اند و راه دیگری در پیش گرفته اند، اما هنوز هم بهترین خطرات زندگی اعضا و فعالین آنها مربوط به دورانی می شود که در صفوف این حزب فعالیت می کرده اند. در طول فعالیت این حزب، از لحاظ عینی و از لحاظ جایگاهش در مبارزه سیاسی و طبقاتی جاری، هرگز مقطعی را نمی توان یافت که در مسیری جز خدمت به آرمان های کارگری و مبارزه بر علیه نابرابری و ستم گام برداشته باشد. تاریخ عینی ۳۶ سال گذشته نشان می دهد که این حزب در مواضع و عملکردش، از نقطه عطف های سیاسی تاریخی سربلند بیرون آمده است. نفوذ عمیق کومه له در کردستان، به عنوان ستون تعیین کننده تاکتونی حیات سیاسی این حزب، اجازه نداده است خصلت های اجتماعی بودن، مسئول بودن، رادیکال بودن، آگاهی بخشی، دور اندیشی در قبال سرنوشت سیاسی جامعه، در نتیجه محدودیت هایی که دشمن بر فعالیت های سراسریش تحمیل کرده است، از کف بروند.

امروز حزب کمونیست ایران مصممانه تلاش می کند تا در همه لحظات مبارزه آزادیخواهانه و طبقاتی جاری در ایران نقش شایسته خود را ایفا و به وظایف خود عمل کند. مطابق برنامه و استراتژی این حزب، هر کارگر پیشرو و حق طلبی، هر انسان آزادیخواهی، هر انسان تحت ستم و تبعیض ملی، هر زن آزاده ای، هر جوان محرومی، هر مبارز مدافع محیط زیست، هر هنرمند متعهدی، می تواند جایگاه انسانی و مبارزاتی خود را در استراتژی و برنامه حزب کمونیست ایران بیابد. کومه له در کردستان نمونه های موفق در همه این زمینه ها بدست داده است، که می تواند الگوی فعالیت ما در همه جا باشند.

گرامی باد یازدهم شهریور،

سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران



هیچ وجه اقدامی خلق الساعه نبود و در اتاق های دربسته و دور از چشم جامعه و جنبش زمینه سازی و تدارک دیده نشد. آماده سازی برنامه و اساسنامه این حزب، استراتژی و سبک کار و تاکتیک های سیاسی آن و همه لحظات شکل گیری سیاسی و تشکیلاتی آن به طور علنی و با همه امکاناتی که آن هنگام در دسترس بود به پیش رفت.

این حزب در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ایران در زیر ضربات رژیم ضد انقلاب اسلامی آخرین نفس های خود را می کشید. نیروهای چپ و رادیکال ایران به شدت دچار تشتت و سردرگمی شده بودند. سرکوب های خونین، دستگیری های گسترده و اعدام های وسیع، بخشی از سازمان های چپ را عملاً منحل کرده بود. در چنین شرایطی تشکیل حزب کمونیست ایران به وسیله بخشی از نیروهای چپ ایران در عین حال پاسخی انقلابی به این وضعیت نابسامان بود. در حالیکه حکومت اسلامی همه جا انحلال سازمان های سیاسی را تبلیغ می کرد، یک حزب سیاسی جدید و پرشور، با روحیه و امیدوار در حال تشکیل شدن بود. اگرچه دو سازمان اصلی که سنگ بنای حزب را تشکیل دادند، اتحاد مبارزان کمونیست و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) بودند، اما بدنال انتشار برنامه مشترک این دو جریان و روشن شدن خطوط استراتژیک فعالیت این حزب، فراکسیون هایی از چند سازمان چپ رادیکال ایران به آن پیوستند و نمایندگان آنها در کنگره موسس حزب شرکت داشتند.

حزب کمونیست ایران در بدو تشکیل، در تهران و شهرهای بزرگ ایران و در محیط های کارگری، شمار قابل توجهی از فعالین سیاسی کارگری و فعالین سیاسی کمونیست را در بر می گرفت. این بخش از تشکیلات حزب در سال های سخت دهه شصت مورد یورش دشمن قرار گرفت و شمار زیادی از فعالین آن در تهران و شهرهای دیگر ایران به زندان افتادند و بیشتر آنها بعدها اعدام شدند. شماری نیز به اجبار به کردستان و یا به خارج کشور مهاجرت کردند. این شرایط محدودیت های واقعی را بر فعالیت تشکیلاتی حزب در سطح سراسری تحمیل نمود. اما در کردستان این حزب



تماس با
کمیته تشکیلاتی دلائل کشور
حزب کمونیست ایران

h.falain@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلاتی
دلائل کومه له (تلفن)

takesh.komalah@gmail.com



متن سخنان حسن شمسی عضو کمیته اجرایی

در مراسم گرامیداشت

سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران در استکهلم

کرده که به خاطر آن همه موازین و قواعد بازی خود را نیز زیر پا گذاشته‌اند و هریک جداگانه به دنبال راه حل برون رفت خود از آن بحران هستند. دولت آمریکا به عنوان مرکز و قلب نظام سرمایه داری برای برون رفت از بحرانی که سرمایه داری این کشور را مورد تهدید قرار داده، با تشدید جنگ تجاری با دیگر قدرتهای جهان سرمایه داری و خارج شدن از قراردادهای و پیمان های میان شان، ائتلاف و نزدیکی میان قدرتهای سرمایه داری برهم زده است. بریتانیا در اقدامی مشابه برای برون رفت خود از بحران اقتصادی این دوره، خود را با بحران برکزی و خروج از اتحادیه اروپا درگیر ساخته است. شکست و تعویض پی درپی دولتها در انگلستان نیز نتوانسته گریباننش را از این بحران رها سازد. تداوم و تشدید بحران سرمایه داری، دیگر دولتهای اصلی اتحادیه اروپا یعنی فرانسه و آلمان را نیز با تشمت و عدم ثبات مواجه کرده است. از آنجا که احزاب سنتی در کشورهای اروپا یعنی احزاب چپ، سوسیال دمکرات، محافظه کار، لیبرال و غیره هم راه حلی برای برون رفت از این بحران نداشته‌اند، به حاشیه رانده شده‌اند و زمینه برای رشد و به قدرت رسیدن احزاب و جریانات راست، نفوشتیست و راسیست فراهم شده است. در بعضی دیگر از کشورهای اتحادیه اروپا مانند یونان و اسپانیا نیز که احزاب چپ رفرمیست زمانی از اقبال و امید اقبال پایین جامعه برای خروج از بحران برخوردار شدند، به دلیل اجرای سیاستهای ریاضت اقتصاد دیکته شده از جانب مراکز مالی نئولیبرالیسم نتوانستند تغییری در اوضاع معیشتی فلاکت بار مردم ایجاد کنند، به تدریج نفوذ و پایگاه اجتماعی خود را از دست دادند و کنار رفتند.

اوضاع اقتصادی و معیشتی توده های مردم کارگر و تهیدست جامعه در سایر کشورهای جهان نیز بر اثر تداوم و تشدید بحران سرمایه داری رو به وخامت گذاشته و زندگی صدها میلیون انسان را در معرض فقر و گرسنگی قرار داده است. عوارض و تبعات این بحران در کشورهای آفریقایی و آسیا در اشکال گوناگون خود را می نمایاند. در چند ماه گذشته در سودان و الجزایر پیامد بحران اقتصادی سرمایه داری و اجرای سیاستهای نئولیبرالی

سپاه پاسداران را ایجاد کرد تا به وسیله آنها هرگونه صدای آزادیخواهی و حق طلبی را در گلو خفه کند. هزاران نفر از انسانهای چپ و کمونیست که نقش اساسی در پیروزی قیام ایفا کرده بودند را قلع و قمع کرد و بسیاری از سازمانها و جریانات کمونیست را ازهم پاشاند. دستاوردهای جنبش کارگری از جمله شوراها را با بیانات "شوراپورا مالید" بنی صدر مورد یورش قرار داد. دستاوردهای جنبش زنان را با فریادهای "یا روسری یا تو سری" اوباشان حزب اله مورد تعرض قرار داد. به دستاوردهای جنبش دانشجویی که اساساً چپ بود با بستن دانشگاهها تحت عنوان ضد انقلابی و ارتجاعی "انقلاب فرهنگی" وحشیانه یورش برد. با لشکر کشی و به راه انداختن جنگ و کشتار مردم شهر و روستاهای کردستان و ترکمن صحرا، به مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران چنگ و دندان نشان داد و به مصاف هرگونه صدای حق طلبی و آزادیخواهی رفت. تشکیل حزب کمونیست ایران در چنان شرایطی یک پاسخ انقلابی از جانب کمونیستها به اوضاعی بود که ضد انقلاب اسلامی حاکم کرده بود.

امروزه حزب کمونیست ایران علیرغم وجود کاستیهایی که در طی مسیری طولانی و پرفراز و نشیب داشته، به اعتبار استراتژی سوسیالیستی و مواضع سیاسی شفاف، به اعتبار عمل کرد و جهت گیری های انقلابی و رادیکال، حزبی خوشنام و معتبر در جنبش چپ و کمونیستی ایران است. این حزب سرمایه گرانبهایی است برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران. متعلق به کارگران و همه انسانهای سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلبی است که علیه نظام سرمایه داری به مبارزه برخاسته‌اند. این حزب در سی و شش سال گذشته همواره با افتخار پرچم سرخ انقلابی خود را برافراشته نگاهداشته و به مبارزه خود در راستای رهایی کارگران و توده های محروم جامعه و برعلیه نظام جهل و خرافه اسلامی سرمایه ادامه داده است. رفقای عزیز!

امسال در شرایطی مراسم گرامی داشت سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران را برگزار می کنیم که تداوم و تشدید بحران اقتصادی نظام سرمایه داری، رقابت قدرتهای جهان سرمایه داری برای گسترش مناطق نفوذ خود را آنچنان تشدید

با دروهای فراوان و شادباش سی و ششمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران به همه رفقای صفوف حزب کمونیست ایران کومه له و با تشکر از حضورتان در این مراسم، از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به همه شما عزیزان خوشامد میگویم.

اجازه دهید از همینجا گرامی بداریم یاد و خاطره عزیزهه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیزم را که در راه تحقق آرمانهای الایشان مبارزه کردند واز جانشان مایه گذشتند.

درودهای خود را نثار همه زندانیان سیاسی و فعالانی کنیم که تنها به جرم دفاع از آزادی و مطالبه حق و حقوق خود و هم سرنوشتان شان در سیاه چالهای رژیم اسلامی سرمایه گرفتار شده‌اند و تحت اذیت و آزار و شکنجه های وحشیانه جنایتکاران اسلامی قرار گرفته‌اند.

درد بفرستیم به همه فعالین جنبشهای اجتماعی در ایران و در پیشا پیش آنها فعالین جنبش کارگری که با مبارزات مستمر، پیگیر و متشکل خود و با اعتراضات و اعتصابات و تجمعهای روزانه، با طرح شعارها و مطالبات سیاسی و طبقاتی، در فضای خفقان و اختناق جمهوری اسلامی و در بطن کشمکشهای درون جامعه مبارزه آگاهانه خویش را پیش میبرند.

امروز بمناسبت ۱۱ شهریور سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران در اینجا جمع شده ایم. حزبی که تشکیل آن آرزوی دیرین ما و انسانهای کمونیست زیادی بود. حزبی که به ویژه در شرایط آن دوره به عنوان ابزاری برای تداوم و گسترش امر مبارز ضروری بود. زمینه های فکری و سیاسی و عملی تلاش برای تشکیل حزب کمونیست ایران محصول فعالیت مشترک انسانها و جریانات چپ و کمونیست به ویژه کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست بود که قبل از کنگره دوم کومه له آغاز شده بود و در کنگره سوم کومه له و پس از آن تا تشکیل این حزب در ۱۱ شهریور ۱۳۶۲ ادامه پیدا کرد. حزب کمونیست ایران در شرایطی تشکیل گردید که ضد انقلاب جمهوری اسلامی با سوار شدن بر موج انقلاب توده های مردم، به سرکوب انقلاب پرداخته بود، این رژیم ارتجاعی و ضد انسانی برای سرکوب انقلاب بلافاصله به تجدید سازمان ساواک پرداخت و بساط شکنجه و اعدام به راه انداخت،

موجب خیزشهای توده‌ای شد و منجر به سقوط دو دیکتاتور دیگر از اریکه قدرت سه چهار دهه گردید.

همه این اوضاع عمق و دامنه بحران جهانی سرمایه داری را نشان می دهد. علیرغم تبلیغات رسانه‌های سرمایه داری این بحران از سال ۲۰۰۸ تا کنون همچنان ادامه دارد. ایدئولوگها و نظریه پردازان نظام سرمایه داری در یک دهه گذشته نتوانسته اند راه حلی برای برون رفت از بحران اقتصادی ارائه دهند. در این فاصله صدها میلیون انسان در سراسر جهان به اردوی عظیم بیکاران پیوسته اند و با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند و سطح معیشت شان به زیر خط فقر رسیده است.

حقیقی که به آنها اشاره کردم بدان معناست که بشریت در قرن بیست و یکم تحت حاکمیت سرمایه در معرض خطر گرسنگی و جنگ و کشتار قرار گرفته و محیط زیست نیز در معرض تخریب قرار دارد. با شکست نئولیبرالیسم در عرصه های اقتصادی و ایدئولوژیک در دنیا، چشم انداز برون رفت سرمایه داری از بحران اقتصادی تیره و تار شده است. روند افول قدرت اقتصادی دولت‌های بزرگ سرمایه داری از مدتها قبل آغاز شده است. نه نظام سرمایه داری کنونی و نه نسخه اصلاح شده آن، نقشه ای برای برون رفت از بحران ندارند. بحران مزمن سرمایه داری را با راه حل سرمایه دارانه نمی توان برطرف کرد. در چنین شرایطی آلترناتیو علمی و مادی برای برون رفت از بحران اقتصادی و برای نجات بشریت از پیامدهای ویرانگر و خطرناک نظام سرمایه داری، تنها سوسیالیسم است. سوسیالیسم نیاز امروز و ضرورت حیاتی جامعه بشری است.

رفقای عزیز!

در رابطه با ایران نیز تبیین اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنونی را باید بر متن بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی بررسی کرد. اما لازم است مؤلفه های ویژه ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی را نیز مد نظر قرار داد. یکی از ویژگیها این است که رژیم جمهوری اسلامی با ساختارهای ایدئولوژیک سیاسی، اقتصادی، نظامی و اداری خاص خود بحران ساختاری سرمایه داری ایران را عمیق تر کرده است. بحران در مناسبات منطقه ای و بین المللی بویژه کشمکش رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و تشدید تحریم های بین المللی، اقتصاد ایران را در تنگنای بیشتر و حتی در معرض فروپاشی قرار داده است. هزینه های کلانی که جمهوری اسلامی از سفره مردم ایران صرف پروژه های توسعه طلبانه و زیاده خواهانه در سطح منطقه کرد، یکی از عوامل تشدید بحران اقتصادی در

ایران بوده. در چنین شرایطی این پروژه ها اعم از برنامه اتمی و یا پروژه تشکیل و حمایت از گروهها و جریانات اسلامی و دخالت در کائونهای بحران منطقه، از اولویت استراتژی رژیم خارج شده اند. در حال حاضر با تعمیق بحران اقتصادی و تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه، مقابله با جنبشهای اعتراضی در داخل، پایان یافتن تحریم ها و کسب تضمین بقای حکومت اسلامی، به محور اصلی استراتژی رژیم تبدیل شده است.

براین اساس اینک مسأله مذاکره با آمریکا به مشغله مهمی هم برای رژیم و هم برای اپوزسیون بورژوا لیبرال ایران تبدیل شده است. علیرغم مخالفت های ظاهری خامنه ای با مذاکره با آمریکا، سپاه پاسداران به عنوان قدرت اصلی در حاکمیت جمهوری اسلامی، در راستای استراتژی بقا حاکمیت اسلامی به دنبال تأمین شرایط باصطلاح آبرومندانه ای برای مذاکره و سازش با آمریکا است. مانورها و ماجراجویی های این دوره سپاه پاسداران در منطقه خلیج نیز در جهت خدمت به همان سیاست مذاکره است. از نظر ما سیاست رویارویی جمهوری اسلامی با آمریکا و متحدان منطقه ای به زیان مصالح و منافع کارگران و توده های مردم زحمتکش ایران و منطقه است. زیرا ادامه این سیاست از سویی موجب تشدید تحریمهای اقتصادی شده است که نتیجه آن گسترش بیکاری و فقر و فلاکت توده های مردم تهیدست جامعه است و از سوی دیگر رژیم تداوم فضای جنگی در منطقه را بهانه ای برای امنیتی کردن فضای جامعه و تشدید سرکوب و اختناق در ایران قرار خواهد داد.

بنابراین باید تلاش کرد که کارگران و توده های مردم، نه از زاویه ضدیت با آمریکا فریب تبلیغات ارتجاعی و ناسیونالیستی جمهوری اسلامی را بخورند و نه به خاطر ضدیت با جمهوری اسلامی به دام دفاع از سیاستهای امپریالیستی آمریکا و اپوزسیون طرفدارش بیافتند. در این کشمکش هم جمهوری اسلامی و هم نیروهای اپوزسیون طرفدار آمریکا می خواهند توده های مردم را به پیاده نظام این کشمکش ها و گوشت دم توپ تبدیل کنند.

تنها امید احزاب و نیروهای اپوزسیون بورژوا لیبرال تشدید تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا و دخالت نظامی آمریکا برای به زیر کشیدن رژیم است. آنها هیچ راه حلی جز تداوم برنامه های اقتصادی نئولیبرالی برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی ندارند. این درحالی است که اجرای این برنامه ها خود یکی از عواملی است که جامعه ایران را با فاجعه

بیکاری و فقر و فلاکت عمومی روبرو کرده است. کشمکش و منازعات جمهوری اسلامی با آمریکا نه تنها هیچ ربطی به منافع مردم ندارد بلکه به زیان مصالح و منافع آنان نیز می باشد.

نتایج و پیامد بحرانهای ساختاری رژیم زندگی و معیشت اکثریت مردم ایران به ویژه کارگران و اقشار تهیدست جامعه را در معرض فقر و گرسنگی بیشتر قرار داده است. بنا به برآورد کارشناسان اقتصادی در داخل ایران اینک با احتساب نرخ تورم و حداقل دستمزد کارگران، ۷۰ درصد خانواده ها در ایران زیر خط فقر مطلق قرار دارند. شریعتمداری وزیر به اصطلاح "تعاون، کار و رفاه اجتماعی" رژیم هفته گذشته اعتراف نمود که "تورم ۷۰ درصدی بخش بزرگی از منابع مالی اختصاص داده شده به رفع فقر مطلق را دود می کند. " رشد هزینه مسکن نیز مزید بر علت است. مطابق همین آمارها تنها در بهار امسال هزینه مسکن حدود ۱۱۰ درصد افزایش داشته است. این آمارهای تکان دهنده از وضعیت اقتصادی و معیشت در ایران، نشان از فروپاشی قریب الوقوع اقتصاد جمهوری اسلامی دارد.

اما مردم ایران در مقابل فقر و گرسنگی و شرایط خفقانی که رژیم به آنان تحمیل کرده است، ساکت ننشسته اند. کارگران و توده های مردم محروم و تهیدست با اعتراضات روزانه در شهرها و مراکز کار و شرکتها و مؤسسات دولتی و خصوصی کل دستگاه حاکمیت را به چالش می کشند. یکی از مؤلفه های مهم در اوضاع کنونی جامعه ایران، وجود یک جنبش فعال و زنده مطالباتی و اعتراضی است. این جنبش به دلیل اوضاع نا بسامان اقتصادی در حال گسترش می باشد. گرچه جنبش کارگری و طبقه کارگر از طرفی به دلیل موقعیت اجتماعی و نقشی که در تولید اجتماعی دارند و از طرف دیگر به دلیل محرومیت و حجم مطالبات برآورد نشده در محور این جنبش مطالباتی قرار دارند، اما دامنه جنبش به مطالبات طبقه کارگر محدود نیست و مطالبات بسیاری دیگر از اقشار گوناگون جامعه را نیز در بر گرفته است. تا جایی که هر روزه شاهد اعتصاب در مراکز کار، تجمع اعتراضی در مقابل نهادهای رژیم و محل کار، تحصن و تظاهرات در شهرها و شهرکها، طومار نویسی و دیگر اشکال اعتراض هستیم. در این اعتراضات مردم از اقشار و طبقات متفاوت جامعه از جمله کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، رانندگان کامیون و کامیونداران خرد، کارگران راه آهن، دانشجویان، پرستاران، مالباختگان، فعالان حفاظت از محیط زیست، وکلا و حقوق دانان و استادان دانشگاهها و غیره شرکت دارند.

در این اعتراضات توده های مردم

مطالبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی خود را مطرح می کنند. بروز جنبش مطالباتی به عنوان یک پدیده اجتماعی خلق الساعه و تصادفی نیست. زمینه‌های عینی آن را از سوی فقر و فلاکت و شرایط معیشتی به غایت دشوار و از سوی دیگر اختناق و خفقان و دیکتاتوری و نبود آزادی به وجود آورده است.

خیزش دیمه ۹۶ نقطه عطفی سیاسی در بروز و تعمیق این جنبش مطالباتی بود. این جنبش در واقع سنگر بندی کارگران و دیگر اقشار محروم و تهیدست جامعه در برابر تهاجم جبهه سرمایه داران و صاحبان صنایع و دولت شان است. گرچه تشدید فقر و فلاکت و امنیتی کردن فضای جامعه موانعی بر سر راه آهنگ رشد و سراسری شدن جنبش مطالباتی بوجود آورده، با این حال تداوم و رشد جنبش مطالباتی و سراسری شدن آن روزانه در جریان است و اجتناب‌ناپذیر است.

اهمیت و نقطه قوت جنبش مطالباتی در این است که کارگران و مردم ستم‌دیده در مبارزه شان در این جنبش نه تنها احساس ضعف و تنهایی و پراکندگی نمی‌کنند بلکه احساس قدرت و همبستگی در میانشان تقویت می‌شود. افق روشن مسیر انقلاب و مبارزه را در چشم انداز خود می‌بینند. این جنبش مطالباتی طبقه کارگر را قدم به قدم به سازمانیابی طبقاتی و رهبری جنبش نزدیک‌تر می‌کند. کما اینکه در اعتصابات دوره ای و سراسری معلمان، و اعتراضات سراسری رانندگان کامیون و کامیون داران، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، اعتصاب و تجمع های پی در پی بازنشستگان و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز درجه ای از کاردانی، سازمان یابی و وجود رهبری به چشم می‌خورد.

یکی دیگر از مؤلفه های تأثیر گذار و مهم در تحلیل و تبیین شرایط کنونی وزن و جایگاه و نقش جنبش زنان در جنبش مطالباتی است. زنان تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی قانوناً، شرعاً و عملاً تحت تبعیض و ستم و نابرابری قرار داشته اند. زنان مبارز و پیشرو در این دوره نه تنها حجاب و همه مظاهر سیاست آپارتاید جنسیتی رژیم را به چالش کشیده اند، نه تنها در مقابل قوانین ارتجاعی و سیاست های زن ستیزانه جمهوری اسلامی مقاومت کرده اند و از تهدید و زندان و شکنجه نه هراسیده اند، بلکه همواره یک پای ثابت شرکت در سایر جنبشهای اعتراضی و مطالباتی نیز بوده اند. شاهد بوده ایم که زنان مبارز و پیشرو در چند سال گذشته پیشاپیش مردان در اعتراضات کارگری، در اعتصابات معلمان، در اعتراضات

بازنشستگان، در اعتراضات دانشجویان و غیره سهمیم بوده اند. به این ترتیب فعالین و پیشروان جنبش زنان دیوار کوتاه و افق محدود فمینیسم لیبرال را پشت سر گذاشته اند و افق و چشم انداز نوینی را در مسیر مبارزه سیاسی و طبقاتی و پیش پای جنبش رهایی زن قرار داده اند.

پر واضح است که جمهوری اسلامی در مقابل این جنبش وسیع مطالباتی زمین گیر شده و در برآورد نیازها و مطالبات مردم عاجز و ناتوان است. از سوی دیگر اصرار کارگران و توده های مردم به برآورد خواستها و مطالباتشان و عکس‌العمل خشونت بار رژیم با دخالت دادن نیروهای امنیتی و سرکوبگر، به تعمیق رویارویی با رژیم منجر شده و به این ترتیب جنبش مطالباتی صنفی را نیز بالا جبار به سوی یک جنبش سیاسی سوق خواهد داد و توده های مردم معترض را در تقابل با کل حاکمیت قرار داده است. به همین دلیل است که دستگاه قضایی و سرکوب رژیم در مقابل فعالان جنبش کارگری و تحریکات جنبش مطالباتی بسیار خشونت بار و وحشیانه عمل می‌کنند. دادگاههای رژیم سنگین ترین احکام مجازات را علیه آنان صادر می‌کنند. عکس‌العمل هیستریک رژیم در برخورد به آنان از سوی نشان دهنده اهمیت نقش و جایگاه جنبش مطالباتی در تحولات پیش رو است و از سوی دیگر میزان نگرانی و وحشت سران رژیم از گسترش و سراسری شدن جنبش مطالباتی را نشان می‌دهد.

نکته دیگر اینکه جنبش مطالباتی موجود برای جنبش کارگری در ایران بستر مناسبی است برای برقراری پیوند با دیگر جنبشهای پیشرو اجتماعی. امروزه حمایت متقابل این جنبشها از همدیگر بر محوریت شعار مشترک و سراسری "نان، کار، آزادی" که از شرایط مادی زندگی کارگران و اقشار تهی دست جامعه سرچشمه گرفته را شاهد هستیم. وجود شعارهای محوری مشترک مطالباتی، موجب تقویت و تحکیم پیوند جنبشهای اجتماعی خواهد شد. در این مدت ما شاهد حمایت و پشتیبانی جنبش های دانشجویی، بازنشستگان، زنان و معلمان از خواسته ها و مطالبات هم دیگر و جنبش کارگران و بالعکس بوده‌ایم که این بسیار امید بخش می‌باشد.

با توجه با این واقعیت تا آنجا که به وظایف کمونیستها و پیشروان و فعالین جنبشهای اجتماعی مربوط می‌شود، یکی از محوری ترین وظایف آنان در این شرایط دامن زدن به جنبش مطالباتی و اعتراضی است. جنبش مطالباتی زمینه مناسبی برای فعالین و پیشروان جنبشهای اجتماعی هم ایجاد کرده تا با

حضور فعال در بطن جنبشهای اعتصابی و اعتراضی، مبارزات جاری کارگران و اقشار تهیدست جامعه را حول خواستهای مشترک عاجل، متشکل نمایند و پیوند مبارزاتی میان آنها را تحکیم بخشند. طرح شعارها و مطالباتی که ریشه در کار و زندگی مردم دارد و تحقق آنها زندگی مردم و جامعه را متحول خواهد کرد. ایفای نقش به موقع و آگاهانه در اتخاذ تاکتیک دقیق و تلاش در جهت سازمانیابی و سراسری کردن مبارزات و به سرانجام رساندن اعتراضات اهمیت زیادی دارد. نکته مهم دیگر این است که بر بستر تداوم و پیشروی همین جنبش مطالباتی است که زمینه برای برپائی تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران نیز فراهم می‌آید و گرایش به تحزب یابی کمونیستی در میان فعالین و کارگران پیشرو و چپ و سوسیالیست نیز تقویت می‌گردد.

حزب کمونیست ایران جهت انجام وظایف و رسالت خطیری که در این دوره بر دوش دارد تمام ظرفیت های خود را در خدمت پاسخگویی به نیازهای عملی و استراتژیک این جنبش مطالباتی و اعتراضی و هرچه گسترده تر کردن و سراسری تر کردن و سازمانیافته تر کردن آن بکار خواهد گرفت.

در این رابطه تأکید بر دو نکته دیگر نیز ضروری است. اول اینکه با توجه به روند تحولات سیاسی در ایران تداوم و گسترش همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضروری است. در شرایطی که نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی در تلاش هستند تا جنبش مطالباتی توده های مردم کارگر و زحمتکش را در راستای اهداف خود به بیراهه ببرند و انقلاب را عقیم بگذارند. در چنین شرایطی همکاری نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران با هدف تقویت و پاسخگویی به نیازهای عملی و استراتژیک جنبش مطالباتی بیش از هر زمان دیگر به یک ضرورت سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. اقدامات و توافقات تا کنونی در این راستا از جمله توافق شش حزب و جریان چپ و کمونیست بر سر بیانیه سیاسی که بر استراتژی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از طریق انقلاب کارگری و آلترناتیو سوسیالیستی تأکید می‌کند، اتخاذ مواضع مشترک در مورد رویدادهای سیاسی از طریق انتشار اطلاعیه و برگزاری آکسیون های مشترک در خارج کشور، توافق بر سر اینکه شبکه های تلویزیونی نیروی های همکاری مشترک از یک کانال ماهواره ای واحد برنامه های خود را پخش کنند، همه اینها گامهای مثبتی در جهت تأمین ملزومات پاسخگویی به این ضرورت سیاسی به شمار می‌آیند. اما سرانجام معیار

برگزاری مراسم سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران در شهر کلن آلمان



شنبه ۲۴ آگوست ۲۰۱۹ برابر با ۲ شهریور ۱۳۹۸ مراسم با شکوه گرامیداشت سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران در شهر کلن برگزار شد.

ابتدا مجریان مراسم رفقا: بیان زندگی و اسرین قادری پس از خوشامدگویی به مهمان ها، فهرست برنامه های مراسم را به زبان های کردی و فارسی به سمع حضار رساندند.

سپس مراسم با اجرای سرود انترناسیونال از طرف گروه سرود کومه له و رعایت یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد.

به دنبال آن رفیق **محمود قهرمانی** عضو کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران به این مناسبت سخنانی ایراد کردند. ایشان در ابتدا ضمن خوش آمد گوئی به حضار و گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، به سرکوب دست آوردهای انقلاب ۵۷ از طرف ضدانقلاب سرمایه داری اسلامی به اوضاع سیاسی دوره تشکیل حزب اشاره کردند و گفتند: تشکیل حزب کمونیست ایران اقدامی سیاسی، پاسخی انقلابی، اجتماعی و استراتژیک بود که در یکی از حساس ترین لحظات حیات جنبش کمونیستی ایران صورت گرفت. حزب کمونیست ایران در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ایران در زیر ضربات جمهوری اسلامی آخرین نفس های خود را می کشید. در حالی که جمهوری اسلامی همه جا انحلال سازمان های سیاسی را تبلیغ می کرد یک حزب سیاسی جدید و پرشور کمونیستی تشکیل شد.

سپس به اوضاع سیاسی پرداختند و گفتند: "جمهوری اسلامی با بحرانهای شدید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبروست است که، برای پایان دادن به آنها راه حلی ندارد. در بخش دیگری از سخنانشان گفتند: از دیماه سال ۹۶ به این سو مبارزات کارگران و تهیدستان جامعه وارد فاز دیگری شده است که با سالهای گذشته تفاوت دارد، و با چند ویژگی شناخته می شود. ترس مردم معترض و ناراضی فروریخته است. امیدی به اصلاحات حکومتی ندارند، مردم ناراضی همچنان در صحنه مبارزه هستند و مطالباتشان را بشکل جدی تری پیگیری می کنند.

این مسائل و ناتوانی رژیم در پاسخگویی به خواسته های مردم، زمین گیر شدن نیروهای رژیم، درهم ریختگی صفوف حاکمیت و رشد روحیه ناراضی و جسارت برای مقابله با رژیم، توازن قوا را به نفع جبهه کارگران و توده های کارگر و زحمتکش تغییر داده است و همه اینها جامعه ایران را به سوی یک شرایط انقلابی نزدیک می کند. در این شرایط تحزب یابی کارگران و زحمتکشان از اولویت های مبارزه برای سرنگون کردن انقلابی جمهوری اسلامی و بنیاد نهادن جامعه ای آزاد و برابر است."

در ادامه برنامه سرود حزب ما توسط گروه سرود کومه له اجرا شد. بخش دوم مراسم که، برنامه های هنری بود، در میان شادی و پایکوبی حضار به پایان رسید.

کمیته برگزاری مراسم سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران در آلمان ■

اجتماعی برای ارزیابی از پیشرفت این همکاری ها همانا پاسخگویی به نیازهای عملی و استراتژیک جنبش های اجتماعی در جامعه است. تنها در این صورت است که می توان توجه فعالین و رهبران جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را به ضرورت وجود یک آلترناتیو سوسیالیستی جلب کرد. در پرتو این جهت گیری اصلی است که همکاری های عملی ما هم اهمیت پیدا می کند. در خارج از کشور تداوم سازمان دادن کمپین های سیاسی و تبلیغی گسترده مشترک برای جلب حمایت افکار عمومی و سازمان ها و نهادهای ترقی خواه از جنبش انقلابی مردم ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران با توجه به وسعت تشکیلاتی ای که دارد و با توجه به موقعیت ویژه ای که برای ایجاد هماهنگی و جلب همکاری این نیروها از آن برخوردار است، باید آماده باشد تا نقش تعیین کننده ای در انجام این رسالت داشته باشد.

نکته دیگر کومه له و جنبش انقلابی در کردستان است. کردستان به عنوان یک کانون مبارزه انقلابی از طریق برپائی اعتصاب های عمومی علیه جنایات جمهوری اسلامی، از طریق همراهی با اعتصابات سراسری رانندگان کامیون و معلمان، با برگزاری مارش با شکوه به نشانه گرامیداشت جانباختگان مدافع محیط زیست، با اعتراض علیه کشتار کولبران و اعلام همبستگی با اعتصابات و اعتراضات کارگران در سطح سراسری و با برپایی گل گشت دفاع قاطعانه از کارگران زندانی و محکوم ساختن دادگاهی آنان، بار دیگر نشان داد جنبش سوسیالیستی در این جامعه یک جنبش سازمانیافته و تحزب یافته است. نشان داد که از ظرفیت بالایی برای تعمیق و گسترش پیوند جنبش انقلابی کردستان و مبارزه برای رفع ستمگری ملی با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سطح سراسر برخوردار است. گسترش و تحکیم این پیوندهای مبارزاتی یکی از اولویت های فعالیت کومه له و یکی از رمزهای پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی کردستان است. با توجه به روند تحولات سیاسی در ایران و کردستان و در حالی که رژیم جمهوری اسلامی از هیچ جنایت و توطئه ای برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی کردستان دریغ نمی کند، نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوا ناسیونالیست در تلاش هستند جنبش کردستان را در راستای اهداف خود به بیراهه ببرند. در دو سه ماه گذشته با برملا شدن توطئه جمهوری اسلامی در فریب دادن احزاب و گروههای ناسیونالیست در کردستان تحت عنوان مذاکره، مردم کردستان متوجه ظرفیت بالای این جریانات در سازش و معامله با جمهوری اسلامی و با توهم دست پیدا کردن و سهم بری گوشه ای هرچند ناچیز از قدرت در چهارچوب جمهوری اسلامی شده اند. در چنین شرایطی کومه له باید بر تداوم و گسترش تلاش خود برای بیرون آوردن مردم کردستان از زیر نفوذ استراتژی و سیاست های این احزاب و نیروها تأکید نماید و با توجه به جایگاهی که در رهبری جنبش انقلابی کردستان دارد لازم است هر چه سریع تر برای رفع موانع موجود بر سر راه همکاری نیروهای جنبش چپ و کمونیست در کردستان با هدف تقویت استراتژی سوسیالیستی و پیوند جنبش انقلابی کردستان با جنبش مطالباتی سراسری تلاش نماید.

با تشکر از توجهتان به سخنانم، شاد و سربلند باشید

یادی از ستاره های تابناک جنبش کمونیستی در روزهای تاریک نیمه اول شهریور



★ شبنگاه چهارم شهریور ماه سال ۱۳۶۸ رفیق بهمن جوادی، معروف به غلام کشاورز، از چهره های برجسته و سرشناس جنبش کمونیستی ایران، که برای دیدار بستگانش به قبرس رفته بود در شهر لارناکا مورد سوء قصد مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت و ساعتی بعد در بیمارستان جان باخت.

غلام کشاورز از پیشروان مبارزه کمونیستی در ایران بود. او با سالها مبارزه انقلابی، با مقاومت در سیاه چالهای رژیم پهلوی و به قیمت فرسودگی روح و جان خویش با فعالیت در میان کارگران پیشاپیش صف مبارزه کمونیستی ایران گام بر می داشت. وی از چهره های شناخته شده مقاومت در زندان های رژیم شاه، از اولین کادرهای سازمان اتحاد مبارزان کمونیست، و سپس یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایران بود که طی دوره فعالیت خود در حزب کمونیست مسئولیت های متعددی از جمله عضویت در کمیته مرکزی را بر عهده داشت.



رفیق غلام از سالهای قبل از انقلاب بهمن ۵۷ به مبارزه سیاسی روی آورده بود، در دوران قیام بهمن و سپس علیه جمهوری اسلامی در همه مبارزات، پرشور و فعال حضور داشت. غلام کشاورز در تمام سیر پرتحول حیات سیاسی حزب کمونیست ایران، تا هنگام جانباختنش، از اندیشمندان و صاحب نظران برجسته این حزب بود. او با به عهده داشتن رهبری ارگانهای اصلی حزب همچون عضویت در کمیته سازماندهی تشکیلات شهرهای ایران، کمیته خارج کشور حزب، کمیته رادیو صدای حزب کمونیست ایران و مسئولیت سازماندهی فدارسیون شوراهای پناهندگان ایرانی در خارج کشور و عضویت در کمیته مرکزی حزب، با توانائی و تجربه بسیار در عرصه های نظری، سیاسی و سازماندهی نقش برجسته و مهمی ایفا نمود.

نیمه اول شهریور یاد آور روزهای خونباری در تاریخ جنبش کمونیستی ایران و جنبش انقلابی مردم کردستان است. در چنین روزهایی بود که کشتار دسته جمعی کمونیستها در زندانهای جمهوری اسلامی آغاز شد. کشتار با اعدام های دسته جمعی اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق آغاز شده بود، در روزهای نیمه اول شهریور ماه با کشتار زندانیان چپ و کمونیست دنبال شد. «کمسیون مرگ»، پس از آنکه گزارش ماموریت جنایتکارانه مرداد ماه خود در زندانها را به خمینی دادند، از وی فتوای کشتار کمونیستها را نیز گرفتند و به جان انسانهای آزاده ای افتادند که قلبهایشان ملامال از عشق به آرمان والای رهائی انسان استثمار شده و ستمدیده بود. در روزهای تاریک نیمه اول شهریور بود که هزاران زندانی مبارز و مقاوم بر چوبه دار بوسه زدند، اما به آرمانهای انسانی خود پشت نکردند و با پاسخ نه به پرسش های ارتجاعی برتری اراده خود بر قدرت و زور دشمن را اثبات کردند.

در روز های نیمه اول شهریور ۱۳۵۸ بود که خلخالی مرتجع و جانی تشنه به خون به فرمان و فتوای خمینی که کینه عمیقی از مقاومت مردم کردستان در برابر ارتجاع اسلامی به دل گرفته بود، به جان انسانهای انقلابی و وارسته کردستان افتاد و میدانهای اعدام در شهرهای پاوه، سنندج، مریوان، سقر، مهاباد، به خون عزیزی رنگین شد، که سر تعظیم در مقابل ارتجاع به قدرت رسیده فرود نیاروده بودند.

اما تا اینجا هنوز پایان یادآوری های تلخ و پایان شرح قهرمانی ها و از خود گذشتگی ها نیست. روزهای چهارم، نهم و سیزدهم شهریور یاد آور سه واقعه مهم در حیات سیاسی کومه له و حزب کمونیست ایران هستند. در این روزها جریان ما سه تن از رهبران برجسته خود، فواد مصطفی سلطانی، صدیق کمانگر و غلام کشاورز را از دست داد. نقش سیاسی آنها در کنار نزدیک به دو هزار و پانصد جانباخته صفوف جریان ما، زندگی نامه سیاسی آنها را به بخشی از تاریخ این جامعه تبدیل کرده است. بگذارید شرح کوتاه بخشی از زندگی این سه سرفاقله کاروان جانباختگان را به یاد همه عزیزان جانباخته دیگر مرور کنیم:

فواد، کمونیست پرشوری بود که خستگی ناپذیر در راه رهایی طبقه

نصرت تیمورزاده

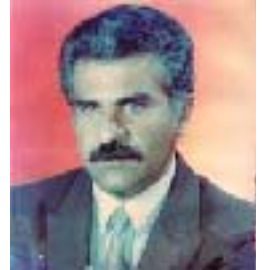
گزینه مقابل کارگران هپکو اراک!

مؤسسات بود. کارگران نه تنها باید تا آخرین رمق در ازاء دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر جان می کنند، بلکه با سرکوب وحشیانه دولت که خود بزرگترین کارفرما بود، روبرو می شدند. در این میان تحریم های اقتصادی نیز مزید بر علت شده و آخرین ضربه را به بحران ساختاری موجود در جامعه زده و در نتیجه بسیاری از مؤسسات و مجتمع های تولیدی را با ورشکستگی روبرو نمود. در بستر این شرایط است که هپکو به مثابه یکی از بزرگترین مجتمع های صنعتی نیز از سال های اولیه دهه نود با کاهش تولید و سپس تا حد خاموشی چرخه تولید پیش رفته است. یکی از نتایج منفی این خاموشی چرخه تولید این بوده است که کارگران از مهمترین سلاح مبارزاتی خود یعنی اعتصاب و متوقف ساختن چرخه تولید تا حد زیادی محروم گردند. از اینرو کارگران هپکو راه چاره را در کشاندن اعتراضات خود به داخل شهرها دیدند. در همین ارتباط کارگران هپکو و آذر آب در شهریور ماه ۱۳۹۶ دست به اعتراض زده و به راه پیمایی پرداختند. تا از این طریق هم حمایت اهالی شهر و هم حمایت هم طبقه ای های خود در سایر مؤسسات تولیدی و صنعتی را جلب کنند. و این البته برای بورژوازی چه در بخش خصوصی و چه دولتی یک خطر جدی و واقعی است. بلافاصله پلیس ضد شورش به مقابله با کارگران اعتراضی پرداخته و با گاز اشک آور به صفوف کارگران هجوم برده و توانستند صفوف کارگران معترض را در هم بشکنند. همزمان دستگاه قضائی رژیم به مثابه یکی از ارگان های سرکوب وارد عمل شده و برای بیست نفر از کارگران حکم احضار با اتهام اخلاف در نظم ارسال کرده و کارگران معترض تهدید به اخراج شدند. اگرچه خیزش دیمه ۹۶ در بستر همین اعتراضات و تحرکات گسترده جنبش کارگری و نارضایتی عمومی شکل گرفت، در عین حال

از روز یکشنبه سوم شهریور برای چندمین بار کارگران مجتمع صنعتی هپکو اراک در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان دست به تجمع زده اند. آنان نسبت به وضعیت بحرانی مجتمع، عدم وجود امنیت شغلی، دستمزدهای معوقه و واگذاری شرکت به بخش خصوصی اعتراض دارند. مجتمع صنعتی هپکو اراک یکی از بزرگترین مجتمع های تولید ماشین آلات سنگین است، بطوریکه تولید سالیانه این شرکت در دوره هایی حدود دو هزار و چهار صد دستگاه و یکی از پرسودترین گروه های صنعتی بود. این مجتمع در سال ۱۳۵۳ با سرمایه گذاری بخش خصوصی و با هدف تولید ماشین آلات راهسازی تأسیس گردید. با سقوط رژیم سلطنتی به تملک دولت درآمد. از سال ۱۳۷۵ شرکت هپکو فعالیت های گسترده ای را در حوزه های تولید تجهیزات انرژی نیروگاهی، نفت، گاز، فولاد، کربن های سنگین و سایر پروژه های صنعتی را آغاز نمود. در سال ۱۳۸۲ حوزه فعالیت خود را به تولید ماشین آلات کشاورزی، معدنی و بازسازی و نوسازی اینگونه ماشین آلات، تجهیزات و ماشین آلات مترو و تونل و حمل و نقل گسترش داد. در سال ۱۳۸۵ در پی سیاست های خصوصی سازی، این شرکت نیز به بخش خصوصی واگذار گردید. با آغاز بحران جهانی سرمایه داری در سال ۲۰۰۸ دولت های سرمایه داری جهت مهار بحران، سیاست های متفاوتی اتخاذ کردند. از سیاست ریاضت اقتصادی تا سرشکن کردن بحران بر دوش مزد و حقوق بگیران و تا انتقال بخشی از این بحران ها به جهان پیرامونی، نمونه هایی از این سیاست ها بودند. در جهان پیرامونی اما این بحران بسیار وحشیانه تر عمل کرد. مؤسسات صنعتی و تولیدی در بسیاری از موارد تاب تحمل این بحران را نداشته و با کاهش تولید و در مواردی با خوابیدن چرخ های تولیدشان روبرو شدند. هپکو یکی از نمونه های برجسته این

کارگر و توده های تحت ستم مبارزه کرد، جانباختن در نبردی نابرابر با مزدوران سرمایه به وی مجال نداد تا ثمرات تلاش های خود و دیگر یاران همزمش را در تشکیل حزب کمونیست ایران، که خود سالها برای تدارک و تشکیل آن مبارزه می کرد و یکی از اهداف مبارزاتی اش را تشکیل می داد به چشم خود ببیند.

★ ساعت ۲ بامداد روز سیزدهم شهریورماه سال ۱۳۶۸ رفیق صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و عضو کمیته مرکزی کومه له، در اقدامی جنایتکارانه توسط یک خائن و مزدور جمهوری اسلامی مورد سوءقصد قرار گرفت و



جانباخت.

صدیق کمانگر چهره درخشان و مبارز با سابقه جنبش کمونیستی، یکی از سرشناسترین و محبوبترین رهبران توده های مردم و جنبش انقلابی کردستان، آژیتاتور و سخنور برجسته توده ای و از کادرهای بنیانگذار حزب کمونیست ایران بود.

از بیش از چهار دهه قبل، او آرمان کمونیسم و مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر را هدف زندگی خویش قرار داد و از آن پس حیات پر تکاپوی وی با مبارزه کمونیستی و انقلابی عجین گردید. آغاز مبارزه متشکل در سازمان مخفی کومه له از اولین ماه های تأسیس آن، ظاهر شدن به مثابه رهبر جنبش توده ای در دوران انقلاب علیه رژیم شاه، با انتشار بیانیه هائی به عنوان سخنگوی کانون وکلای ایران، تبدیل شدن به رهبر و سخنگوی جناح رادیکال و انقلابی جنبش انقلابی در مقابل ارتجاع محلی و مذهبی در جنوب کردستان، قرار گرفتن در رأس توده های قیام کننده در شهر سنندج، سپس درخشیدنش همچون زبان گویا و آتشین مردم بپاخاسته علیه رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی در جریان نوروز خونین سنندج و در رأس شورای انقلابی این شهر، تداعی شدنش با مطالبات و جنبش های حق طلبانه مردم محروم و زحمتکش شهر و روستا در کردستان، شرکت در هدایت جنگ انقلابی در کردستان به عنوان یک فرمانده نظامی، سرپرستی و اداره رادیو صدای انقلاب ایران، رادیوی کومه له که وی یکی از نویسندگان و سخنوران برجسته آن بود، شرکت در فعالیت های متنوع سیاسی و تشکیلاتی بعنوان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه له بخشی از کارنامه سیاسی پربار رفیق صدیق کمانگر را تشکیل می دهد.

با تجدید پیمان و فاداری با آرمانهای کمونیستی و رهایی بخش این عزیزان یاد جانباختگان شهریور و تمامی جانباختگان راه رهای مردم کارگر و زحمتکش از استثمار و ستم نظام سرمایه داری را گرامی می داریم. به امید آن روزی که سران جنایتکار جمهوری اسلامی در دادگاه عدل مردم زجر کشیده ایران به محاکمه کشیده شوند، رازهای سر به مهر جنایات بیشماری که مرتکب شده اند بیشتر برملا شود و مجازات شایسته خود را دریافت دارند.



به همزمانی احکام صادره علیه هم طبفه ای هایشان و سخنان این قاضی القضاة نوشتند: " آقای رئیسی ما نمی خواهیم پشت و پناه کارگر باشید، فقط لطف کنید بی طرف باشید."

واقعیت این است که در پس این لفاظی های ظاهری مقامات رژیم که گویا در فکر چاره جوئی برای کارگران هپکو هستند، منافع دیگری خوابیده است. سپاه خواب تصرف هپکو را می بیند. نه به خاطر اینکه چرخ های تولید را به حرکت درآورد بلکه مسئله تصاحب زمین های هپکو مد نظر است. همان سیاستی را که در مورد کارخانه "آونگان" اراک بکار بردند. بیش از صد و هفتاد هزار متر مربع از



زمین های این کارخانه توسط سپاه به بهای نا چیزی خریداری شده و در اختیار قرارگاه خاتم گذاشته شد که در خدمت پروژه ساخت و ساز این نهاد در بیاید. هیچ بعید نیست که سپاه حتی برای دوره ای با تصاحب هپکو دست بازتری برای چنگ انداختن به تولیدات ماشین آلات هپکو داشته باشد، همچنانکه با چنگ انداختن به تراکتور سازی تبریز نزدیک به نود درصد بازار داخلی تراکتور را در دست دارد. و اگر زمانی البته نه چندان دور تولیدات هپکو قدرت رقابت با ماشین آلات وارداتی را نداشته باشد در این صورت راه برای خواباندن چرخه تولید و کسب ابر سود از طریق ساخت و ساز زمین های هپکو فراهم می گردد.

در این میان آنچه به کارگران هپکو و حتی کارگران در سایر مؤسسات تولیدی و صنعتی بر میگردد این است که آنان اکنون دیگر هم تجربه مالکیت بخش خصوصی و هم مالکیت دولتی را دارند. یکی از مطالبات آنان و هفت تپه و فولاد مخالفت با خصوصی سازی و باز گشت به دولت بود. کارگران هپکو اکنون در عمل می بینند که نه مالکیت بخش خصوصی و نه مالکیت بخش دولتی، مشکل تولید و مشکل زندگی و معیشت آنان را حل نمی کند. تا زمانی که درب بر همین پاشنه می چرخد سهم آنان پرتاب شدن به قعر فقر امروز بیش از روز گذشته است. روشن است که تصاحب هپکو توسط بنیاد خاتم حتی اگر برای

گذشته تبدیل گشته است. بی جهت نبود نه تنها اسماعیل بخشی نماینده جسور کارگران هفت تپه، بلکه مدافعین آنها نظیر سپیده قلیان، عسل محمدی و گردانندگان نشریه گام از همان روزها مورد نفرت طبقاتی رژیم قرار گرفته، شکنجه شده و به بند کشیده شدند. اکنون نه ماه بعد از سرکوب اعتصابات پرشور هفت تپه و اهواز، کارگران هپکو با سنت همان اعتصابات یعنی آمدن به خیابان اعتصاب خود را آغاز کردند. آنها این بار علاوه بر مطالبات همیشگی خود، به بی عملی دولت در راه اندازی کارخانه نیز اعتراض دارند. از همان اولین روز شروع اعتصاب دست اندر کاران حکومتی با حربه نان قندی و سرکوب به حرکت در آمدند، همچنانکه زمانی که ادعای اسماعیل بخشی علیه دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی رژیم مبنی بر شکنجه او به تکاپو افتاده بودند.

ابراهیم رئیس جانی تکیه زده بر ریاست قوه قضائیه، محمود واعظی رئیس دفتر روحانی و یکی از فرماندهان سپاه به سخن در آمده و در باره مسائل و مشکلات کارگران به لفاظی و یاوه گویی پرداختند. در این میان رئیس قوه قضائیه گوی سبقت را در پیشروی از سایرین ربوده و در دیدار با کمیسیون اجتماعی و کمیسیون مشترک خدمات کشوری با اشاره به اعتراضات کارگری گفت: "در برخی از کارخانه ها، کارفرما به دلیل وضعیت نابسامان دچار بدهی می شوند نباید اجازه بدهیم این کارخانه تعطیل و اموالشان توقیف شود. قوه قضائیه باید به عنوان کارآفرین به آنها نگاه کرده و از آنها حمایت کند. بیشرمانه تر از این نمیتوان به دفاع از سرمایه داران پرداخت که سالهاست دستمزدهای کارگران را بالا کشیده اند، سالهاست که هر کارگر معترض را اخراج می کنند، سالهاست تحت عنوان باز سازی کارخانه میلیاردها تومان وام در اختیارشان قرار میگیرد تا اختلاس های میلیاردی را سازمان دهند. رئیسی با وقاحت تمام خود را به فراموشی می زند که گویا یک روز قبل از سخنان او مبنی بر اینکه "کارگری که واقعا به دلیل مشکلات کارگری اعتراض می کند باید مورد تقدیر قرار گیرد"، دادگاه شوش یعنی دستگاه تحت مسئولیت او نه تن از کارگران هفت تپه را با شکایت اسد بیگی کارفرمای هفت تپه محاکمه و به زندان و شلاق محکوم کرد. او با وقاحت تمام فراموش می کند که به اصطلاح جرم این کارگران و نماینده شان اسماعیل بخشی چیزی جز طرح مشکلات کارگران و مطالبات آنان نبود. در واقع مقامات رژیم در پوشش همدردی با کارگران، تهاجم وسیعی را علیه آنها سازمان می دهند. بی جهت نبود که گروهی از کارگران هفت تپه با توجه

خود دوره ای جدید از مبارزات و اعتراضات کارگری را به همراه آورد. تغییر در آگاهی توده های مردم در جریان خیزش دیماه خود پشتوانه ای برای جنبش کارگری بود که در بستر تغییر در توازن قوای موجود با کیفیت و کمیت جدیدی اعتراضات خود را سازمان دهد. در دل این شرایط نوین است که کارگران هپکو دور دیگری از اعتراضات خود را در آردیبهشت نود و هفت آغاز می کنند. آنان اگر در روز اول در مقابل کارخانه تجمع کردند، روز دوم خط راه آهن شمال به جنوب را بسته و به کارفرما یک هفته مهلت دادند که به مطالبات آنان یعنی مزدهای معوقه و بیمه آنان پاسخ دهد. با سپری شدن این مدت و عدم پاسخگویی کارفرما با بستن خط راه آهن، تردد قطارها را بطور کامل مسدود نمودند. بازداشت پنج نفر از کارگران خود باعث خشم بیشتر کارگران گشته و با آزادی همکاران خود و دریافت سه ماه از حقوق های معوقه و انتقال مالکیت کارخانه به دولت، اعتراضات خود را پایان دادند.

همزمان با اعتراضات هپکو، ما با اعتراضات معلمان به سطح معیشتی خود و کالائی شدن آموزش و پرورش و سپس اعتصاب سرتاسری رانندگان و کامیونداران روبرو هستیم. نصب باندول حله، یک از کامیون ها با تپ



"ای کارگر، ای معلم، ای زحمتکش، درد ما درد شماست، پیروزی اعتصاب ما در گرو حمایت شماست" حکایت از این داشت که اعتراضات گام هائی جهت همسوئی با یکدیگر بویژه در طرح مطالبات برمی دارند. همین فضای اعتراضی است که اوج خود را در اعتصاب شجاعانه کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نشان می دهد. اگر در شهریور نود و شش کارگران هپکو اعتراضات خود را به خیابان کشیده بودند، این بار خیابان به میدان عرض اندام کارگران هفت تپه و فولاد تبدیل گشته بود. اگر چه اینان بخشا همان مطالبات هپکو را داشتند، ولی با طرح شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" پرچمی را برافراشتند که به پرچم همه جنبش های اعتراضی از پائیز سال

عباس منصوران

تسین رویکرد ۱۴ نفری‌ها!

های طبقاتی، سیاسی - انقلابی خویش هموندی نیافته است. بگیر و ببندها، شکنجه‌ها و کاربرد داروهای روانگردان و به خودکشی کشانیدن و نمایش های خون آلود پیشاهنگان کارگری در سناریو سوخته ی «اعترافات» تلویزیونی، راه کار رژیم اسلامی در برابر این رویکرد بود. با این همه کشتار و شکنجه، اما ناتوانی رژیم در مهار و برای سلطه، از سویی و در سوی دیگر، توانایی چالش و پتانسیل جنبش در برابر آن، انکار ناپذیرند.

در دیگر سو، آلترناتیوهای سرمایه جهانی نیز به تکاپو افتاده با سرپنجه های عروسک گردانان خیمه شب باز، به کریدورهای پارلمان‌ها و لابی کاخ سفید و سفارت خانه‌ها و خانه کعبه ردیف شدند تا به کارگزاری کاندیدا شوند. اینان، همگی بوی الرحمن حکومت اسلامی را با شامه طبقاتی خویش دریافته و به ضرورت حفظ مناسبات غیرانسانی موجود و عبور از حکومتی که به سوی سراسیب، سرازیر شده، به جایگزینی و مهار جنبش طبقاتی ردیف شدند. این بخش، در حالیکه اصحاب ساواک و شاه سرنگون، بی رهبر و با پروژه های خنده آور یکی در پی دیگری منحل، و مجاهدین از سفره ی صدام به تیرانای مفلوک نشسته، پس از ۴۰ سال سرگرم و غنوده در «بزینس» خود، سربرون آوردند. برخی «مهستان» ساختند تا «بزینس من ها»ی کهنسال را سرپا آورند، برخی از همدستان رژیم در سال های خونین شصت، جمهوری خواه شدند و «چپ و فدایی» را به هم آوردند تا این بار شمشیر سرمایه غیر اسلامی را سوهان کاری کنند و شاید که به «سلاح سنگین تری» مجهز شود، و میانه بازان آویزان عبای خاتمیسیم، اصلاح طلبان حکومتی را ناجی خود دانستند و دستی هم به سوی «مهندس» میر حسین در حصر که مهندس کشتارهای سال های ۶۰ و جنگ ۸ ساله و به خون کشانیدن کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا و همه ایران بود، شدند. سبزه های میرحسین، نورچشم خمینی که در سال ۸۸ در نوستالژی واگشت ضدانسانی «دوران طلایی امام» برآمد اعتراضی را به قتلگاه برد، در جستجوی رهبر خویش و بخشش دلبسته اند. برخی نیز، لابی حکومت شدند و در «بی. بی. سی» و «صدای آمریکا» به فارسی لانه کردند تا «بهنودی» و «نگهداری» و پاسدار فرهنگی و مهاجران سرگردانی باشند از

در دیماه سال ۱۳۹۶ برگی ماندگار و درخشان در تاریخ جنبش کارگری و توده های زیر ستم در ایران گشوده شد. بر تارک این تاریخ، شعار طبقاتی "نان، کار، آزادی، خودگردانی شورایی!" به ثبت رسید. این شعار، نه آنگونه که دیدگاه رفرمیستی «شتابزده» و «زودهنگامش» می خواند، بلکه با دیرکرد و دیرهنگام، با این همه و در این هنگامه، درست ترین شعارعینی بود. شعاری برآمده از درون جنبش خودسازمان یاب کارگران و ستمبران، که از کوره های مذاب کار در پولاد اهواز و نیشکر هفت تپه، جوشش می گرفت. این یک ضرورت مبارزاتی بود - یک نیاز - نیازی که با آگاهی طبقاتی بخش پیشتاز طبقه کارگر سرچشمه می گرفت. این شعار ریشه طبقاتی - جهانی داشت، در کمون پاریس و انقلاب اکتبر کارگران و تهی دستان شهر و روستا در روسیه ی سال ۱۹۱۷ و خواست متراکم، انباشته و سرکوب شده ی از مشروطه ی سال ۱۹۰۶ میلادی تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی و از ۵۷ تا ۱۳۹۶ بود که با یک اخگر، مجال انفجار یافت. این شعار هم استبداد ذاتی سرمایه و هم استبداد الهیات سیاسی حاکم را مردود می شمرد و به چالش می گرفت. این شعار نه از بالا به وسیله سازمانی جدا از طبقه و نه از برون و القاء، بلکه از درون جامعه و نیازهای مادی و زمینی آن، نیرو می گرفت. آموزگاران، زنان زیر ستم چندگانه و به پا خاسته، رانندگان کامیون، بازنشستگان هستی از دست داده، اندوخته باختگان و غارت شدگان به دست سارقان و مافیای حاکم به آن پاسخ مثبت دادند و دانشجویان پیشرو، آنرا پشتیبان شدند. به همین مادیت بود که این شعار، مَهْری طبقاتی بر جنبش زد و سراسری شد، همانند بذری زندگی بخش، افشانیده شد، رویش می یابد و در جنبش سراسری کارگران بر هر پرچم و فریاد انقلابی، بر آسمان ایران پژواک خواهد یافت. این شعار اعلام جنبشی پویا و دینامیک و رو به فرارویی بود و در سراسر ایران و منطقه خاورمیانه، به ویژه کردستان‌ها نیز شنیده شد. از پولاد و هفت تپه، به تهران و هپکوی اراک و کردستان و معدن کاوان کرمان و ارسباران و گلستان و بندرگاه‌ها در ماه شهر و عسلویه و... گسترانیده شد. این خواست ضروری به سان نخستین گام بنیادین یک استراتژی طبقاتی انگاشته می شود که از پیوند مادی سازمان

مدتی چرخ تولید هپکو ادامه یابد، راه چاره ای برای نجات کارگران از نیستی تحمیل شده بر آنان نیست. حتی یکی از مطالبات آنان یعنی بلاتکلیفی شغلی شان نیز مرتفع نخواهد شد. مگر نه اینکه در بهمن نود و شش فرمانده قرارگاه سازندگی "خاتم الانبیا" گفت که در مجموعه قرارگاه دویست هزار نفر مشغول به کار هستند که یک در صد آنان رسمی و مابقی پیمانکاری فعالیت می کنند. یعنی همان وضعیت فلاکتباری که به خاطر آن کارگران پروژه های پتروشیمی دائما دست به اعتراض می زنند.

بدون تردید اعتصاب جاری آخرین اعتصاب کارگران هپکو خواهد بود، چرا که نه کارفرمای خصوصی و نه کارفرمای دولتی و نه قرارگاه خاتم پاسخی به مطالبات آنان ندارند. و همین امر نشان می دهد که کارگران همچنان باید بر مطالبات خود پای فشرده و از توهم خصوصی یا دولتی بیرون بیایند. در این میان آنچه مهم است درک این امر است، که جنبش کارگری ایران و پیشروان طبقه باید در بستر مبارزه برای مطالبات رفاهی افق و دورنمای رهائی از نظم بهره کشی کنونی را مد نظر قرار دهند. این درست است که کارگران ابتدا بر مبنای مطالبات رفاهی خود وارد عرصه مبارزه شده و در بستر همین مبارزات است که به درک واقعی از موقعیت خود و دشمن ناآل می آیند و این هم درست است که در دل همین مبارزات است که درک می کنند چرا باید متحد و یکپارچه عمل کنند، چرا احتیاج به همبستگی طبقاتی دارند، چرا نیاز به تشکل های توده ای و حزب سیاسی خود دارند. این البته خوب است که کارگران هپکو اعتراضات خود را به خیابان می کشند تا هم مردم و هم سایر هم طبقه ای های خود را به پشتیبانی از مطالباتشان فراخوانند، ولی بدون شک برای طبقه ای که باید به مثابه رهبر جامعه ظاهر شود بسیار ناکافی است. و در ست در همین جاست که اهمیت ایجاد شوراهای مستقل در محل کار و زیست کارگران معلوم می شود. شوراهائی که می توانند بستر مناسبی جهت ایجاد تشکل های سر تا سری کارگران باشند و همه میدانیم که این امر یکی از کمبودهای اساسی جنبش کارگری ایران جهت تسخیر خاکریزهای جدید برای پیشروی است.

اول سپتامبر ۲۰۱۹ / دهم شهریور ۱۳۹۸

◀ قماش «مهاجرانی».

در این گذار، با تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی، لایه های میانی به اشتباه موسوم به «طبقه متوسط» به بالا خود نیز را در تهدید و ورشکستگی و تنگنا دیدند و در برابر استبداد مطلق به توان و قامت خویش به واکنش برآمدند. به ویژه در این هنگامه که سرنگونی حکومت اسلامی را نه یک پندار، بلکه یک واقعیت عینی می یافتند. در این هنگامه نزدیک به سه ماه پیش (تیرماه ۱۳۹۷/۱۹ ژوئن ۲۰۱۹م) ۱۴ نفر از مخالفین حکومت اسلامی در ایران بیانیه ای صادر کردند. با این آغاز که: «سال‌هاست که بسیاری از نخبگان اجتماعی و فرهنگی و فعالان مدنی با نقدهای دلسوزانه، در پی اصلاح و تغییرات ساختاری و بنیادین در نظام اجتماعی و سیاسی، جمهوری اسلامی بوده‌اند.» یعنی چهل سال خونین و یرانگر و تباہ، در انتظار معجزه ای برای رفرم و چانه زنی! نوشتند که خواهان اصلاحاتی هستند که «رئیس جمهور و نمایندگان مجلس»، «تدارکاتچی» نباشند و اینکه «از الگوهای دموکراتیک، از واپسگرائی و سقوط کشور به دام ویرانگری های سیدعلی خامنه ای و سردارانش بپرهیزند» و قانون اساسی حکومتی را به ویژه «بسط اصل ۱۱۰، و گسترش حدود اختیارات رهبری در مواد ۱۱۲؛ ۱۱۳... قانون اساسی» جلوگیری کنند. اینکه با این قانون و رهبری خامنه ای «چانه زنی فعالان مدنی نیز بدون استعفای سیدعلی خامنه ای و تغییر قانون اساسی - خاصه اصل ۱۷۷ - راه بجایی نخواهد برد!» به این بیان خامنه ای را مانعی برای چانه زنی دانسته و دیواری در برابر تغییر اختیارات تام ولی فقیه. بنابراین اعلام می کنند که «درخواست تغییر بنیادین قانون اساسی و استعفای رهبری را دارند» و خواهان استحکام و استواری روبنای سیاسی یعنی دولتی برای حفظ ساختار زیربنایی استبدادی سرمایه داری هستند.

می نویسند خواهان کشوری هستند: «بی نیاز به رأی و نظر مستبدانه ی اشخاص، بی نیاز به مجلسی فرمایشی، بی نیاز به دولتی بی اختیار، بی نیاز به قوه ی قضائیه ای بی استقلال، را برای ملت ایران فراهم کنیم» تا دولتی داشته باشند دارای اختیار، مجلس و پارلمان و قوه قضائیه مورد درخواست انقلاب مشروطه سال ۱۲۸۵ خورشیدی دوران قاجار به واهی، که در برهه خود به ویژه مجلس اول، دستکم نمادی کم نور از حضور بورژوازی در کنار روحانیت و بازار پیشا سرمایه داری را بازتاب می داد. باری، این گرایش، خویش را چنین خواند که: «یک حرکت ملی و فراجناحی ست و انتظارمان

از هموطنان ایراندوست و آزادیخواه مان است که با نگاه به ضرورت های تاریخی و عصری، و فارغ از منفعت جویی و یا اختلافات سیاسی و گروهی یاورمان باشند.» در پی این اعلام و دستگیری بیشترین امضا کنندگان، بیانیه دیگری با همین درونمایه با امضاء ۱۴ تن از زنان منتشر شد. که «نگاه ضد زن» حکومت اسلامی را نکوهش کرده و «گذار از جمهوری اسلامی» و «تدوین قانون اساسی جدید» را پیشاروی می گذارد. ترکیب اجتماعی این جمع از زنان و مردان معترض ناامید از «چانه زنی با خامنه ای» که «با نقدهای دلسوزانه، در پی اصلاح و تغییرات...» راه به جایی برده نشد، ترکیبی است از مادران و پدران جانبناخته گانی در اعتراض های سال ۸۸ زنی رنج کشیده مانند گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، کارگر به قتل رسیده در زیر شکنجه، دکتر محمد ملکی، زندانی مقاوم و خوشنام دهه ۶۰، هاشم خواستار و محمد حسین سپهری نمایندگان کانون صنفی و سراسری معلمین، کمال جعفری یزدی، از بازماندگان جنگ ۸ ساله، محمد نوریزاد و دیگران که کم و بیش و فرد فرد هریک انسان هایی، شکنجه شده، دردکشیده اند. این ترکیب اما نه با هویت های فردی و خاصیت طبقاتی فردی، بلکه با هویت سیاسی برآمده در بیانیه و خواست جمعی اشان شناخته می شوند. در موضع گیری های سیاسی، نه ماهیت و هویت فردی، بلکه رویکردی و اندیشه سیاسی و استراتژی دیدگاه جمعی برآمده در تبیین سیاسی جمعی است که مورد ارزیابی قرار می گیرد و منزلگاه و اهداف نهایی مندرج در مبانی سیاسی جمع را مشخص می سازد.

واکنش به این رخداد، در برون مرز به چند گونه خودنمایی کرد: تومارنویسان برون مرزی به بهانه ی پشتیبانی از بیانیه های ۱۴ نفری ها، فرصت طلبانه مجال یافتند تا این تلاش را مالک شوند. برخی به آن تاختند و آنرا بدون تحلیل طبقاتی و شناخت از سوخت و سازهای جامعه، آنرا نمایشی و ساختگی و مشکوک نامیدند، برخی آنرا ستودند و ستایش کردند، بی آنکه به تحلیل طبقاتی و اجتماعی آن برآیند. تا آنجا که به استراتژی و رویکرد این گرایش و سیاست باز می گردد، این خواست ها، مطالباتی واهی، واپس مانده و علیرغم لحن هریک از امضا کنندگان و نیز خود بیانیه ها، به غایت سطحی و سرانجام در تحکیم مناسبات استثماراری ارزیابی می شود. بیانیه ها «همه با هم» را فرامی خواند تا همانند سال ۵۷ در برابر استبداد فردی (شاه) ولی فقیه را به استعفا راضی کنند، قانون اساسی سرمایه داری را دستکاری کنند تا دولت، مجلس و قوه قضائیه

«مستقلی» را با قانون اساسی بدون ولی فقیه با «یک حرکت ملی و فراجناحی...» در یک جامعه طبقاتی، برپا شود! ممکن است برخی از ۱۴ نفر با حسن نیت و توهم به ژرفای این رویکرد غافل مانده باشند، و ندانند که از سال ۱۹۰۰ و سلطه امپریالیسم، دیگر سخنی از بورژوازی «ملی» و «مستقل» در میان نیست و با سلطه نولیبرالیسم و جهانی سازی در سرزمین های پیرامونی همانند ایران، جز بورژوازی دلال و کمپرادور و باندهای حکومتی هیچ سخنی از «حرکت ملی و فراجناحی» و «استقلال دولت» و مجلس و قوه قضائیه نمی تواند در میان باشد. در یک جامعه و مناسبات سرمایه داری، سراب «ملی و فراجناحی» از مشروطه تا کنون به ویژه در حکومت اسلامی با این همه ویرانی و جنایت، تاریخ خونباری را به نمایش می گذارد و نیز نقش حکومت به سان ابزار سرکوب و فرمانروایی طبقه مسلط و مالکیت ابزار تولید، تاریخی سرشار از جنایت و فلاکت دارد.

ناسیونالیسم «ایرانی» «اسلامی - ایرانی» با نفی حقوق ملیت ها و اقوام زیر ستم و نیز ناسیونالیسم منطقه ای کردی، بلوچی و عرب در عصر نئولیبرالیسم، «ناسیونالیسم» نیست و جز خدمت گزار و کارگزار سرمایه جهانی و ایفای نقش سیاهی لشکر مارتون کریدورهای سرمایه جهانی، و بازوان مسلح و پلیس محلی سرمایه، هیچ کاربرد دیگری نخواهد داشت، زیرا که پروژه ناسیونالیسم، همزمان با عصر سرمایه داری کلاسیک در آخرین دهه ۱۸۹۰ به موزه اشیاء عتیقه پیوست.

آنچه اما در جمع بندی این نوشتار باید افزود، اینکه بیانیه ۱۴ نفری ها با خوش بینی، هویت یک گرایش متوهم، غافل از معنای مادی و پراتیک استثمارگرانه مناسبات سرمایه داری را به نمایش می گذارد، خودفریبانه و دیگرفریب است، لایه میانی و بالایی خرده بورژوازی را به سازشکاری تمام به تحکیم قدرت سیاسی سرمایه داری یعنی حکومت و دولت سرکوبگر نمایندگی می کند، در برابر شعار نان، کار، آزادی، خودگردانی شورایی ایستاده، به چانه زنی بدون خامنه ای دل بسته، و خواهان استعفای ولی فقیه و برداشتن بندهایی از قانون اساسی حکومت اسلامی است. جنبش سوسیالیستی، سازمان های «چپ و کمونیست» و محافل و منفردین این گرایش نیز باید به بازنگری خویش پردازند که با وجود هر روزه دهها اعتراض کارگری و فضای پسا دیماه ۹۶ کجا ایستاده اند و از چه روی میدان مبارزه را به توهم پراکنی و انحراف خرده

بورژوازی و بورژوازی واسپرده اند؟! ←

پیام به کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان (اقلیت) ۱۷ اوت ۲۰۱۹

مشترک در مورد رویدادهای مختلف، توافق بر سر اینکه شبکه های تلویزیونی نیروی های همکاری مشترک از یک کانال ماهواره ای واحد برنامه های خود را پخش کنند، همه اینها گامهایی در جهت تأمین ملزومات پاسخگویی به این ضرورت سیاسی به شمار می آیند. اما سرانجام معیار اجتماعی برای ارزیابی از پیشرفت این همکاری ها همانا پاسخگویی و به نیازهای عملی و استراتژیک جنبش های اعتراضی و اجتماعی در جامعه است. تنها در اینصورت است که می توان توجه فعالین و رهبران جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی را به این حرکت جلب کرد و نگاه جامعه را به طرف خود برگرداند. در پرتو این جهت گیری اصلی است که همکاری های عملی ما اهمیت پیدا می کنند. در خارج از کشور سازمان دادن کمپین های سیاسی و تبلیغی گسترده برای جلب حمایت افکار عمومی و سازمان ها و نهادهای ترقی خواه از جنبش انقلابی مردم ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران با توجه به وسعت تشکیلاتی ای که از آن بهره مند است و با توجه به موقعیت ویژه ای که برای ایجاد هماهنگی و جلب همکاری این نیروها از آن برخوردار است می تواند نقش تعیین کننده ای در انجام این امر داشته باشد.

رفقا! فعالین و پیشروان جنبش های اجتماعی در داخل کشور صرف نظر از تعلقات حطی و تشکیلاتی و فکری شان با سهولت بیشتری در سنگر مبارزه با کارفرما و رژیم مشترکا فعالیت می کنند و ما امیدواریم این درک و ضرورت و همنگری و همسویی در میان همه نیروهای چپ و کمونیست در اقصا نقاط جهان نیز بستر شود و ما هم هم در داخل کشور و هم با کار مشترک در آکسیون های اعتراضی در دفاع از جنبش های اجتماعی، در جلب حمایت اتحادیه ها و نهادهای مترقی در خارج کشور این همکاریها را گسترش دهیم. این حرکت های مشترک ضمن اینکه دلگرمی و پشتوانه مهمی برای مبارزات فعالین در داخل می باشد، هزینه سرکوبگری را برای رژیم بیشتر می سازد و این امر می توان توازن قوا در داخل کشور تاثیر بگذارد.

وقت شما را بیشتر نمی گیرم. ما با اشتیاق مباحث شما را در این کنفرانس استماع می کنیم و اگر فرصتی باشد با کمال میل نظرات خود را به اطلاع می رسانیم. شاد و پیروز باشید و مجدداً برگزاری کنفرانس هفدهم سازمان فدائیان اقلیت را تبریک می گویم.

رفقا با درود! من هلمت احمدیان از طرف هیات شرکت کننده حزبمان در این کنفرانس و به نیابت از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، ضمن تشکر از دعوت به این اجلاس، آرزوی برگزاری کنفرانسی موفق و پر دستاورد را برای شما عزیزان دارم. فرصت را غنیمت می شمارم و از این تریبون درود می فرستم به همه جانبختگان جنبش چپ و کمونیستی که در سنگرهای مختلف در راه آرمان های سوسیالیستی از جان شیرین شان دریغ نکردند.

درود می فرستم به همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی که علیرغم همه فشارهای رژیم از درون زندان های رژیم نوید آزادی و جامعه ای برابر و اداره شورایی جامعه را ندا می دهند. طبعاً این اولین بار است که ما افتخار حضور در اجلاس رسمی تشکیلات شما را داریم، و این امر را به نوبه خودمان محصول همگرایی و همکاری های مشترک نیروهای چپ بویژه در دوره ای که گذشت می دانم.

رفقا! کنفرانس شما در شرایطی برگزار می شود که جامعه ایران دوران حساسی را از سر می گذراند. در ایران بر متن تشدید بحران سرمایه داری و تنگ تر شدن حلقه تحریم های اقتصادی که فقر و فلاکت بیسابقه ای را به طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه تحمیل کرده است و به رغم تهدیدات جنگی و تشدید فضای امنیتی یک جنبش عظیم اعتراضی و مطالباتی در جریان است که طبقه کارگر در محور آن قرار دارد. در این شرایط و در حالی که رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران به عنوان نیرویی که دست بالا را در ساختار حکومتی دارد همه ظرفیت های خود را برای به کنترل در آوردن جنبش مطالباتی کارگری و اقشار فرودست جامعه بکار می گیرند، در شرایطی که نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی در تلاش هستند که آن را در راستای اهداف خود به بیراهه ببرند و انقلاب را عقیم بگذارند، در این شرایط همکاری نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران با هدف تقویت و پاسخگویی به نیازهای عملی و استراتژیک این جنبش مطالباتی و اعتراضی بیش از هر زمان دیگر به یک ضرورت سیاسی و عملی تبدیل شده است.

در همین راستا توافق بر سر بیانیه سیاسی که بر استراتژی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از طریق انقلاب کارگری تأکید می کند، اتخاذ موضع

اما لازم به اشاره، باید اعلام کرد بیانیه و بیان تلاشگران بیانیه های رفرمیستی و واهی، ۱۴ نفری ها، نسبت به «مذاکره» کنندگان چهار گروه کردی، به هیچ روی قابل همسنگی نیست. زیرا که عناصر تسلیم، تسلیم طلبانه و محکوم به تجسم حکومت شتافتند، اما ۱۴ نفری ها، عبور از حکومت اسلامی را با عبور از ولی فقیه در بیانیه و پراتیک اعلام کردند. ۴ گروه مزبور، تحکیم حاکمیت اسلامی سرمایه داری، تسلیم، و اعلام نقش کارگزاری محلی حکومت مرکزی را به گفتگو داشته و دارند، اما ۱۴ نفری ها در زندان به شکنجه سپرده شده، در برابر دوربین ها پیش از دستگیری ها، با قاطعیت هرگونه سازشی با ولی فقیه را محکوم کردند و از جنایات و تبهکاری های ۴۰ ساله ی حکومت اسلامی سخن راندند، ۴ نفری ها، به معامله نشستند و ۱۴ نفری ها هیچ پیش شرطی در میان نهندند و با توهم درخواست برکناری راس حکومت و دستکاری قانون اساسی شدند.

از موضع کمونیستی بدون شک باید ستم وارده بر یکایک نویسندگان بیانیه ۱۴ نفری ها را محکوم کرد، خواهان آزادی فوری آنان شد و در همان حال به نقد طبقاتی دیدگاه آنان برآمد و اعلام کرد که رهایی و آزادی و رفع هرگونه ستم طبقاتی، جنسیتی و اتنیکی در گرو سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تحقق سوسیالیسم است.

۲۶ اوت ۲۰۱۹